

خبر

محمدرضا عارف:

نباید یک جریان سیاسی با محدودیت در ارائه کاندیدا روبه‌رو شود

● محمدرضا عارف، رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، معتقد است دستگاه‌های متولی نباید به گونه‌ای عمل کنند که این جریان سیاسی در ارائه کاندیدا برای حضور در انتخابات با محدودیت مواجه باشد. عارف در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر نوشت: «در شرایط فعلی کشور متولیان برگزاری انتخابات باید در نظر داشته باشند که حضور حداکتری مردم در انتخابات پیش‌رو نظام را بیمه می‌کند. به همین دلیل، نباید به گونه‌ای عمل شود که یک جریان سیاسی با محدودیت در ارائه کاندیدا به دلیل رد صلاحیت روبه‌رو شود».

دیدار «امیرعبداللّهیان» با دبیرکل حزب الله لبنان در بیروت

● ایسنا؛ دبستار ویژه رئیس مجلس در امور بین‌الملل با سیدحسن نصرالله در بیروت دیدار و گفت‌وگو کرد. سیدحسن نصرالله در این دیدار گفت: همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، آمریکا قادر به تحمیل جنگ نظامی علیه ایران نیست، اما کاخ سفید می‌داند اگر جنگی علیه ایران روی دهد، همه منطقه درگیر می‌شود و قطعا پایان آن را آمریکا رقم نخواهد زد. امیرعبداللّهیان پیش از این با دیگر مقام‌های سیاسی لبنان دیدار کرده بود. او روزهای گذشته در سوریه با بشار اسد و وزیر خارجه این کشور هم دیدار داشت.

ادامه از صفحه ۵

پاسخ مستدل به ۵ ادعا

... و البته گزارش‌های دلسوزانه، مستند و به دور از هیاهو با استقبال مدیران این شرکت همراه خواهد شد. نکته پایانی آنکه در شرایط سخت تحریم و جنگ اقتصادی، وارد کردن اتهامات بی‌بایه‌واساس به خانواده صنعت نفت و پتروشیمی و تضعیف وزارت نفت و ارکان این صنعت که در سخت‌ترین شرایط ماه‌های گذشته، بخش‌قابل‌توجهی از ارز مورد نیاز کشور را تأمین کرده‌اند، جز دلسردی سربازان این جنگ، دستاوردی ندارد.

پاسخ «شرق»:

۱. رسیدگی به برخی اتهامات و تخلفات در بسیاری از شرکت‌ها ازجمله شرکت موردآشاره (پازارگاد) ازجمله وظایف ذاتی یک رسانه است و ارتباط‌دادن آن به موضوع سهام پتروشیمی نوری، از سوی این روابط عمومی جای بسی تعجب است! علاوه‌برآنکه در پیگیری‌های روزنامه «شرق» از ماجرای بدهی‌های شرکت بازرگانی پتروشیمی به هلدینگ خلیج‌فارس گفته شده است، درباره بدهی‌های پتروشیمی نوری نیز تأکید شده که نشان‌دهنده توجه ویژه این رسانه به این مجتمع و بازگرداندن منابع عمومی به دولت است.

۲. در بخشی از این گزارش به خبری که از سوی یکی از کانال‌ها پیش از به نگارش درآمدن گزارش منتشر شده، اشاره شده است که مبتنی بر اخلاق حرفه‌ای رسانه است. نکته قابل‌توجه آنکه تمامی مدارک در اختیار این رسانه قرار داشته و می‌توانستیم در صورت نادرده‌گرفتن اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای، به آن کانال مورد تأکید نیز اشاره نکنیم.

۳. درباره سهام‌داری این شرکت همان‌گونه که اشاره شده است، صد درصد سهام این شرکت به هلدینگ خلیج فارس واگذار شده است. هلدینگ خلیج فارس نیز ترکیبی از ۲۰ درصد سهام مستقیم دولت، ۴۰ درصد سهام عدالت و الباقی سهام صندوق بازنشستگی نفت و مجموعه‌های وابسته است. با توجه به تأکید بر قانون تجارت، باید این نکته را مورد توجه قرار داد که بسیاری از شرکت‌های دولتی کنونی ذیل قانون تجارت ثبت شده‌اند و قانونی جز این قانون، برای ثبت شرکت‌ها وجود ندارد.
باین‌حال براساس قانون مقرر شده است که اگر بالای ۵۰ درصد سهام تحت مالکیت دولت باشد، پیرو قوانین دولتی خواهد بود. چنانچه اکنون بسیاری از شرکت‌های زیرمجموعه نفت مانند تاپیکو زیر نظر مستقیم وزیر نفت هدایت می‌شوند.
باین‌حال، اختلاف‌نظر درباره سهام عدالت کماکان باقی است اما تا زمان رسیدگی قانونی به این موضوع، روال دولت بر نظرات مستقیم بر این شرکت‌ها و پیروی آنها از قانون شرکت‌های دولتی است.

۴. واژه اخراج از زبان آن مقام آگاه بیان شده و روزنامه «شرق» نظر مستقیم روی آن ندارد.
باین‌حال قابل‌توجه است که این کارگزار به‌طور متوالی با این شرکت کار می‌کرده‌اند و تغییر رویه و بی‌کاری شدن ناگهانی آنها، درخورتوجه است.

۵. مدارک درباره حقوق مدیران اشاره شده، نزد روزنامه «شرق» موجود است و اگر نیاز باشد (درصورتی‌که فیش حقوقی در اختیارشان نباشد!) برای شرکت مربوطه ارسال خواهد شد.
۶. درباره این بند نیز همان‌گونه که در جوابیه ذکر شده، عدم برگزاری تشریفات قانونی و برگزاری مناقصه مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین موضوع کذبى در روزنامه «شرق» منتشر نشده است.
در پایان از شفاف‌سازی روابط عمومی این شرکت در این زمینه سپاسگزاریم.

ادامه از صفحه ۶

ماجرای مک‌فارلین است، اینجا هم نگاه مرحوم هاشمی همین بود؟

مک‌فارلین علتش این بود که در جبهه‌های جنگ چون می‌خواستند به پیروزی مهم برسند (ما هم دشمن شرقی داشتیم هم دشمن غربی) روس‌ها به عراق تانک T72 و سوپراتاندار فرانسوی، میگ بلندپرواز مجانی داده بودند که بعدا پولش را بگیرند. ایران می‌خواست حمله بزرگی انجام دهد. برای اینکه تانک T72 را بزیند، راهی جز داشتن تاو ندارد و با آربی جی نمی‌توان این کار را کرد. خب وقتی یک نفر آمد گفت ما حاضریم مثلا به شما تاو بدهیم تا گروگان‌ها آزاد شوند، حاج آقا چون آدم عمل‌گرایی بود موضوع را با امام در میان گذاشت و انجام شد. اتفاقاتی که افتاده بود و از مخازن اسرائیل تاو را داده بودند، مسائل خاص خودش را دارد.

آیت‌الله واقعا از این موضوع اطلاع نداشتند؟

نه نمی‌دانست، تاوها رنگ شده بودند. وقتی قرار بود تاو از آمریکا خارج شود، باید مصوب کنفره می‌شد. در مخازن اسرائیل تاوهای قدیمی بود که می‌توانستند به عنوان سلاح انباری بگویند می‌خواهیم نو را جایگزین کنیم. نمی‌خواستند دموکرات‌ها متوجه شوند. از انبار سلاح می‌دادند و به آمریکا می‌گفتند اینها را معدوم کردیم، جایگزین کنید.

قابلیت استفاده داشت؟

چون ایران تاو را مهندسی می‌کرد، اینها را تعمیر و استفاده کرد.

تصمیم مک‌فارلین بهنگام بود؟

موضوع این بود که وقتی به صورتی قضیه لو رفت همه تصمیم گرفتند دست بردارند اما در مقطعی برای به‌دست‌آوردن سلاخی مثل فونیکس که می‌توانست هواپیماي بلندپرواز را بزند یا موشک تاو که تانک را بزند یا داشتی بعضی رادارها که بتواند هواپیماها را رصد کند مثبت بود. این کار عمل‌گرایی در جنگ است برای رسیدن به پیروزی که برنامه‌ریزی می‌کنید. در جنگ هم ایشان با عمل‌گرایی کار را جلو برد تا بعد از یک سال‌ونیم امام با صحبت‌های ایشان راضی شد قطع‌نامه را بپذیرند و جنگ تمام شود و این امر هم اثر مثبتی در اقتصاد ما می‌گذارد و بعد هم آیت‌الله در بازسازی وارد عمل می‌شود و در نهایت تصمیماتی گرفته می‌شود که با نگاه به اقتصاد است. لازم است اینجا بگویم در مورد فرهنگ یا حداقل پروژه‌های پیمانکاری در ایران نگاه آیت‌الله رفسنجانی اقتصادی است. سال ۶۱ که خطبه خطبه دانشگاه آزاد را در بحبوحه جنگ خواند. ایشان می‌دید دردی در جامعه است که افراد نمی‌توانند برخلاف میل خانواده‌شان به دانشگاه بروند. اینجا بحث دانشگاه آزاد را مطرح کردند که درست است ما پول نداریم دانشگاه دولتی داشته باشیم اما مردم که پول دارند از پول خودشان دانشگاه درست کنند و از طریق مردم دانشگاه آزاد را فعال کردند بدون اینکه یک ریال از دولت هزینه بگیرند. ایشان تا آخر عمر از این کارش دفاع کرد و خوشبختانه کسی نتوانست ایشان را تخریب کند هرچند بین چپ و راست مقاومت زیادی بود اما اثربخشی‌اش در شخصیت و هویت‌دهی به خانواده‌ها و بی‌کاری جوانان در زمان جنگ خیلی مؤثر بود. ایشان در سال ۶۳ با وجود جنگ، خطبه ساخت مترو و فاضلاب را می‌خواند. نه فقط خطبه می‌خواند، بلکه برنامه‌ریزی می‌کند. از یک طرف فرمانده جنگ است و از طرف دیگر، جلسه ساخت مترو را در دفترش می‌گذارد، از بانک‌ها دعوت کرده و سرمایه می‌خواهد. کلنگ مترو را در سال ۶۵ در اوج جنگ می‌زند. پس این کار شعار نیست، یک نگاه خارج از نگاه سیاسی و سیاست داخلی و خارجی است؛ نگاهی اقتصادی به جامعه است برای اینکه اقتصاد جامعه رشد کرده و معضلات جامعه حل شود. متأسفانه بعضا سیاست‌مداران ما دیرهنکام تصمیم می‌گیرند. همیشه می‌گویم کسانی که سال ۶۰ مترو را بستند شبیه دلوایسان امروز هستند. جالب است همان دلوایسان آن زمان اکثرشان کسانی هستند که الان بین اصلاح‌طلبان هستند. کسانی که متروی تهران را در سال ۶۰ بستند تحصیل‌کرده خارج هم بودند. در خاطرات حاج‌آقا هست که وقتی مترو برای تصمیم به دولت رفت از ۲۰ نفر رأی آورد و ناپلئونی تأیید شد. کسانی که رأی دادند اتفاقا همه مدیران اقتصادی دولت بودند. تصمیمات دیرهنکام در اقتصاد به این صورت است. الان مسئله رونق تولید برای کشور خیلی مهم است. مقام معظم رهبری هم در این زمینه تأکید می‌کنند. همان حرکتی که نسبت به صنایع نظامی داشتیم، می‌توانستیم درباره تولید هم داشته باشیم. به قول بعضی‌ها، وقتی می‌توانیم سیستم‌های بازایم چیزهای دیگر هم می‌توانیم بسازیم. پس نگاهمان می‌تواند اقتصادی باشد و از صنعتگران‌مان حمایت کنیم تا تولیدمان افزایش پیدا کند، صادرات کنیم و بازار منطقه را در دست بگیریم. باید کارهایی که هنوز هم دیر نشده را انجام دهیم.

▲ از اشخاص همیشه یک چهره و فیکور خاص در ذهن مردم ماندگار می‌شود. از آیت‌الله رفسنجانی حداقل سال ۴۵ تا زمان درگذشتشان چند چهره و تصویر در اذهان به‌جا مانده، به نظراتان کدام هاشمی‌رفسنجانی ماندگار است؟ همان هاشمی‌رفسنجانی سال ۴۵ یا سال ۵۷ یا سال ۸۸؟
آیا او یک شخصیت بود؟ همان بود؟
نظرات متفاوتی هست. به نظر بهترین نظر را حاج‌قاسم سلیمانی نسبت به حاج‌آقا بعد از فوتشان داد. در دوره‌ای که زمان جنگ به عنوان فرمانده لشکر تارالله کرمان و بعد هم به عنوان فرمانده قدس کار کرده بود، گفتند احساس نکردم هاشمی تغییر کرده باشد. عده‌ای از اطرافیان ایشان از ایشان عدول کرده یا به ایشان پیوستند اما ایشان سیاست معتدلی را از همان

ابتدا داشت و ادامه داد.

نگاهش هم نگاه منافع ملی و اقتصاد ملی و عقلانیت و اولویت اقتصاد ملی بود.

▲ معتقدید آیت‌الله رفسنجانی که خطبه معروف سال ۸۸ را خواندند، همان ها شمی ر فسنجانی هستند که در مجلس عزل بنی‌صدر را گرفتند؟

بله، در خطبه ۸۸ ایشان تصمیم گرفته بود اجازه

نظام از نظام جدا شوند. ایشان تصمیم گرفته بود این بخش را نگه دارد که این گسست فعال نشود و به‌نظم توانست این کار را بکند علی‌رغم اینکه به ایشان تهمت‌هایی زدن اما اهدافی که در دل داشت را به‌خوبی اجرا کرد. آن زمان هم همین گسست بود که در جامعه اتفاق افتاده بود. کسانی که یاران اصلی امام بودند به سبکی از ایشان در حال جداشدن بودند. اتفاقی که آن زمان بنی‌صدر ایجاد می‌کرد در حال ایجاد گسلی در جامعه بود که وقتی منافقین و بنی‌صدر حذف شدند این گسل دوباره پر شد.

مجموعا از صحبت‌هایم به این نتیجه می‌رسم تصمیمات درست و به‌موقع زمانی گرفته می‌شود که منافع و اقتصاد ملی در اولویت باشد و سیاست داخلی و منافع جناحی موضوع‌ها و رفتار سیاست‌مداران را تحت تأثیر خودش قرار ندهد. وقتی به مسائل نگاهی دارید، مدل تصمیم‌گیری‌تان به گونه‌ای می‌شود که تأثیر بدی روی اقتصاد ملی و منافع ملی می‌گذارد و در نهایت عدم نفع مردم مخصوصا مردم بابرهنه را بسیار بالا می‌برد. چون سرمایه‌داران در این شرایط معمولا سود می‌کنند. قشر سطح پایین جامعه هستند که ضرر می‌کنند. مسئله مهم در تصمیم‌گیری‌ها پرهیز از شعارزدگی است که مرحوم رفسنجانی با این قضیه هم مبارزه می‌کرد. نمونه‌های زیادی از شعارزدگی در کشورمان را سراغ دارم. شعارزدگی‌ها کلا فرصت‌های توسعه و پیشرفت کشور را از دستمان می‌گیرد؛ مثل لغت استعمار. معنی استعمار یعنی طلب عمران. معنی بدی ندارد. با هدف طلب عمران برای استعمار می‌آیند. اما الان همه می‌گویند استعمار زشت است. کسانی که می‌خواستند استعمار را انجام دهند با نام عمران این کار را انجام می‌دادند. ما هم گاهی اوقات با شعارزدگی برای حفظ ارزش‌ها ضربه سنگینی می‌زنیم که باید مواظب باشیم اینها را از هم جدا کنیم.

▲ اگر آیت‌الله هاشمی تغییری نکرده باشد (که نظر شما را محترم می‌دانیم)، جمهوری اسلامی سال ۵۸ یا ۹۸ حتما یکی نیست و چار‌فراز و شیب‌هایی بوده، به هر حال، هر س‌زامانی دوره‌هایی را پشت سر می‌گذارد. کدام تصویر جمهوری اسلامی را شاهد هستیم. جمهوری اسلامی نظام مستقر در سال ۶۰ است که ملاحظه نمی‌کرد اگر رئیس‌جمهور خطا کرده است، بر خورد می‌کرد، جمهوری اسلامی سال ۷۳-۷۴ هاشمی‌رفسنجانی که تمام‌قد شبانه‌روز مدیران در حال تولید و احداث بودند یا جمهوری اسلامی گفت‌وگوی تمدن‌های سیدمحمد خاتمی که وقتی پایش را به فرانسه می‌گذارد، شیراک برخلاف سنت از پله‌ها پایین می‌آید یا جمهوری اسلامی‌ای که آقای احمدی‌نژاد ما را به جایی رساند که قطع‌نامه‌های باورنکردنی سازمان ملل علیه ما صادر شود یا جمهوری اسلامی‌ای که آقای روحانی اجرا می‌کنند. اینها چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ اگر مرحوم هاشمی بودند به نظر شما کدام یک از اینها را ترجیح می‌دادند.

الان در شرایطی هستیم که دولت آقای روحانی سعی کرد با استفاده از برجام موانع اقتصادی را بردارد. در دنیا بدعهدی آمریکا و اروپا باعث شد از برجام نتیجه‌ای که تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی انتظار داشتند به دست نیاید. البته برخی‌ها معتقدند یک سری از سیاست‌گذاری‌های داخلی می‌توانست باعث به‌بهر‌ریختن این قضیه شود. اما الان به جایی رسیدیم که عملا در حال از‌دست‌دادن برجام هستیم. شعاری که انتخاب شده هم بحث رونق تولید است. زیربناهای کشور این اجازه را می‌دهد که با تنش‌زدایی در منطقه و ایجاد بازار مناسب در منطقه و حمایت از تولید بتوانیم صادرات داشته باشیم. چون همیشه آرزوی ما این بوده که اقتصادمان را از نفت جدا کنیم و این شرایط می‌تواند فرصتی باشد که اقتصادمان را از وابستگی به نفت جدا کنیم، تولیدمان را برای نیازهای خودمان بالا ببریم و از طرف دیگر سعی کنیم نیازهای منطقه را فراهم کنیم و در کشور شکوفایی ایجاد کنیم و اقتصاد بدون نفت و رونق تولید را داشته باشیم. خوشبختانه اکنون مقام معظم رهبری در این مسیر جدی‌اند. دولت باید کفش‌هایش را وربکشد و خیلی جدی وارد میدان شود و جالش‌هایی را که برایمان پیدا کرده‌اند، به فرصت تبدیل کند. البته تدروهای جامعه هم باید مواظب باشند که به خودی کل نزنند.

▲ درحال حاضر دربرابر رئیس‌جمهور آمریکا در وضعیتی هستیم که رفتارش قابل پیش‌بینی نیست (و این خطرناک است)، از طرف دیگر با دوسنان و متحدان سابقمان مسئله پیدا کرده‌ایم؛ کشورهای

همسایه‌مان در خلیج‌فارس با ما زاویه دارند و بوی جنگ و تنش نظامی می‌آید. قطعا کمتر تحلیلگری بر این باوراست که جنگی مثل جنگ ایران و عراق (یا جنگ زمینی) داشته باشیم، ولی به‌نظر می‌آید محاصره‌ای جدی پیش‌رو داریم. به نظر‌تان اگر درحال حاضر مرحوم هاشمی در قید حیات بودند

سیاست

تئوری پنجره شکسته را بیشتر می‌پسندم



چه تصمیمی می‌گرفتند که از این وضعیت خطرناک خارج شویم؟

بعد از قضیه لانه جاسوسی تخاصم آمریکا با ایران بسیار بالا بود. جمهوری اسلامی همیشه سعی می‌کرد اروپا و جهان اسلام، به‌ویژه چین و شوروی را از آمریکا جدا کند و اجازه ندهد خصومت آمریکا جنبه جهانی پیدا کند و در این سیاست هم موفق بود. زمانی این اتفاق

افتاد که در دوران آقای احمدی‌نژاد، کاری انجام شد که اجماع جهانی علیه ایران اتفاق افتاد که می‌گفت قطع‌نامه‌ها کاغذپاره است و به‌یاد دارم دوران حاج آقا و آقای خاتمی حساس بودند که به شورای امنیت نرویم. مقام معظم رهبری هم حساس بودند. یکی از دلایل تصمیم‌گیری آن زمان برای اینکه زنجیره غنی‌سازی را مدتی تعلیق کردند این بود که سراغ احکام شورای امنیت نرویم که اجماع ایجاد شود. اگر اکنون آقای هاشمی در قید حیات بودند اولین کارشان این بود که اجازه ندهند اجماع جهانی علیه ایران انجام شود و اروپا، چین و روسیه و قدرت‌های بزرگ را به‌صورتی از آمریکا جدا می‌کردند. برای اینکه بتوانیم در مقابل تحریم‌های آینده مقاومت کنیم نیازمند وحدت ملی هستیم. اگر بخواهیم در داخل اختلاف داشته باشیم و در چند جبهه با دنیا خارج بجنگیم، قدرت ما را تضعیف خواهد کرد؛ بنابراین اگر آیت‌الله هاشمی بودند این دو جهت را دنبال می‌کردند تا بتوانند آمریکا را به‌نوعی رام کنند. درحال حاضر راهی نیست تا بتوان با آمریکا مذاکره کرد و رادیکال‌ترین کسانی که موافق مذاکره با آمریکا بودند هم در این شرایط موافق نیستند.

▲ شما بعد از مرحوم هاشمی‌رفسنجانی پیچیده‌ترین شخصیت خاندان هاشمی رفسنجانی هستید.

پیچیده‌ترین؟ نه، حاج‌آقا هم پیچیده نبود.

▲ ایشان ظرفت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی داشتند. شما در مقطعی با وزارت دفاع در دوران جنگ در تولید موشک همکاری داشتید. زمانی که خارج از کشور بودم، یعنی اواخر سال ۶۵، به صنایع سپاه در گروه موشکی سپاه رفتم. بعد از اینکه

جنگ تمام شد، صنایع دفاع و سپاه ادغام شد و صنایع دفاعی نیروهای مسلح شد. من در آنجا قائم‌مقام معاون گروه موشکی بودم که آقای منطقی رئیس گروه موشکی بود و من تا سال ۷۱ معاون هماهنگی ایشان بودم. آقای منطقی آن زمان عضو هیئت‌مدیره صنایع دفاع هم بودند.

▲ در مقطعی نیز رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهوری بودید.

بله و عضو هیئت‌مدیره مترو در اواخر دوره حاج‌آقا هم بودم و در دولت آقای خاتمی مدیرعامل مترو بودم.

▲ دوره شما دوره بسیار مقتدری بود. دفتر بازرسی ویژه‌های هاشمی‌رفسنجانی با دفتر بازرسی دوره حاج داوود احمدی‌نژاد که بخش‌هایی از نیروهای امنیتی را آنجا مستقر کرده بود هم قابل قیاس نبود. علت چه بود؟ به‌سبب شخصیت هاشمی‌رفسنجانی بود؟ چرا بعد از شما این رویه تغییر کرد؟

به دستور آقای هاشمی‌رفسنجانی فقط در بازرسی‌هایی دخالت می‌کردیم که ایشان دستور داده بود. دستور کتبی یا شفاهی ایشان را داشتیم و چون رئیس‌جمهور می‌خواست این موضوع بررسی شود، خودبه‌خود قدرت هم بالا بود. بعد بازرسی این‌طور شد که در همه مسائل دخالت می‌کردند؛ ما بازرسی ویژه رئیس‌جمهور بودیم و باید فقط به کارهایی رسیدگی می‌کردیم که رئیس‌جمهور از ما می‌خواست. ما که وزارت اطلاعات و بازرسی عام نبودیم. اگر رئیس‌جمهور موردی را می‌خواستند که تحقیق شده و به ایشان اطلاع داده شود، چون دستور ایشان بود، اقتدار هم داشت. اما اگر در هر موضوع فی‌البداهه دخالت کنید خودبه‌خود موضوع لوٹ می‌شود، در نتیجه اقتدار هم کم می‌شود. شخصیت هر جایی را باید همان شخص حفظ کند. آقای هاشمی مواردی را که می‌خواست درباره‌اش اطلاعات کسب کند، به ما ارجاع می‌داد. ما به اطلاعات پنهان افراد کار نداشتیم. یکی از سیاست‌های بازرسی ویژه این بود که ما با وزارت اطلاعات همکاری نمی‌کردیم. وقتی برای بازرسی می‌رفتیم موضوعاتی که رئیس‌جمهور اطلاع داده بود به فرض اینکه به اطلاعات پنهان افراد کاری نداریم می‌رفتیم؛ یعنی براساس نظر رئیس‌جمهوری کار کارشناسی انجام می‌دادیم. بله، بعد از دوران ما به‌تدریج از اقتدار این نهاد کاسته شد. بعد از آن دوران آنجا نهاد اطلاعاتی درست کردند. بعدها هم زمان‌هایی می‌شد که چون رئیس‌جمهور به اینها موضوعی را برای بازرسی نمی‌داد، کارهای دیگری انجام می‌دادند که بی‌کار نباشند و این‌گونه اقتدارشان کم می‌شد.

ادامه از صفحه ۲

گاندوو بودجه صداوسیما

آیا وظیفه این سازمان تضعیف فلان حزب و فراهم‌کردن مقدمات بازگشت حزب رقیب به قدرت است، یا حرکت در مسیر رشد و تعالی فرهنگی و سیاسی جامعه؟ به‌راستی مدیران این سازمان عریض و طویل چند درصد توان سازمان تحت امر خود را صرف این هدف مقدس کرده و می‌کنند که شهروندان را با حقوق قانونی خود آشنا کنند و از این طریق «پاسدار کرامت انسان» باشند؟

می‌دانیم دولت به موجب جایگاه قانونی خود به‌عنوان خزانه‌دار موظف است از مدیران صداوسیما درباره درجه کارآمدی سازمان بازخواست کند و گزارش روشنی از عملکرد مالی سازمان به شهروندانی که صاحبان واقعی همه دارایی‌های کشور از جمله صداوسیما هستند، ارائه کند.

اما در پایان؛ داستایفسکی نویسنده نامدار روس در داستانی کوتاه با عنوان «در کام تمساح» شرایطی را به تصویر کشیده است که بعضی از مدیران جامعه برای تحقق اهدافی که از دید آنان دارای اولویت است، اجازه می‌دهند تمساح غول‌پیکر سیرک شهروندی مظلوم را ببلعد و حتی از بستگان قربانی می‌خواهند به خاطر مصلحت کشور از حقوق خود صرف‌نظر کنند.

بی‌مناسبت نیست تولیدکنندگان این سریال پرخاشیه برای اثر خود که با پول ملت تهیه و پخش شده، از کلمه «گاندو» یا همان تمساح ایرانی استفاده کرده‌اند! ظاهرا وظیفه دولت و ملت این است که در مقابل زیرپا گذاشته‌شدن حقوق ملت توسط تمساح باید سکوت کنند! درباره ضرورت صرف هزینه برای ساخت چنین آثاری نپرسند، بپگیر میزان بودجه تخصیص‌یافته برای این اثر و مقایسه آن با دستاوردهایش نباشند، از اینکه چرا به جای چنین اثری که می‌تواند به اختلاف بین جریان‌های سیاسی کشور و گسترش جو عدم‌تفاهم دامن بزند، آثاری با هدف افزایش همبستگی ملی و تاریخی ساخته نمی‌شود، سؤال نکنند. آنان باید سکوت کنند چراکه اینک به جای تمساح داستایفسکی نوبت تمساح پوزه‌کوتاه ایرانی است که حقوق شهروندان را زیر پا بگذارد.



جشنواره

تابستانه

با قیمت پارسال

کاشت مو و ابرو

از تاریخ ۱ تیر ۹۸ تا پایان تابستان ۹۸

همراه با ۷۷ جایزه ویژه

تاریخ قرعه کشی ۱۵ مهر ۹۸

